

# دکتر فوریه، دربار و طبابت

## (تأملاتی در کتاب سه سال در دربار ایران)

○ سه سال در دربار ایران

○ تألیف: دکتر فوریه

○ ترجمه: عباس اقبال

○ علیرضا سلیمانزاده

(دانشجوی دوره کارشناسی ارشد تاریخ)

که بی‌فایده‌گی وجود مرا پیش شاه اثبات نمایند.»<sup>۱</sup> ناصرالدین شاه نیز با وجود داشتن این پزشک فرانسوی و احترام خاص به او، اغلب ترجیح می‌داده از وجود اطباء سنتی در معالجه خود بهره برد. این امر شاید از عدم اعتماد پادشاه به یک پزشک فرنگی و یا از سنت‌گرایی او سرچشمه می‌گرفته و نیز همانگونه که در بالا اشاره شد، شاید اطرافیان شاه نیز در ایجاد این مسأله بی‌تأثیر نبوده‌اند. ولی عدم کارایی طبابت سنتی در این زمان، ناگزیر آنان را به سوی این پزشک فرانسوی می‌کشاند و معالجات موفقیت‌آمیز پزشک مزبور آنان را به تحسین وامی‌داشت.

نه تنها شاه، بلکه زنان حرم ناصرالدین شاه نیز اغلب تمایل داشتند از اطباء سنتی در معالجه خود استفاده نمایند. مطالب کتاب گویای شواهد جالبی از چگونگی برخورد زنان ایرانی با یک پزشک فرنگی در این دوره است.

دکتر فوریه در مورد بیماری چشم امینه اقدس از زنان حرم ناصرالدین شاه چنین می‌نویسد: «شش هفت سال قبل چشم راست او کور شد و حالیه روز به روز، بینایی چشم او نیز کم می‌شود و اطباء ایرانی او با معالجات سرسری و دواهایی که تنها اثر آنها کمک به سرعت سیر مرض است اوقات را به تفتن می‌گذرانند.»<sup>۲</sup>

و سپس موانع مختلفی را مطرح می‌سازد که موجب شدند، وی نتواند کمک عاجلی به درمان این زن حرم بنماید. و یکی از این موانع، این است که زنان ایرانی تمایل نداشته‌اند خود را به یک پزشک فرنگی نشان دهند.

### پانویس‌ها:

- ۱- دکتر فوریه، سه سال در دربار ایران، ص مقدمه.
- ۲- دکتر فوریه، همان منبع، ص ۷۷.
- ۳- دکتر فوریه، همان، ص ۷۷.
- ۴- دکتر فوریه، همان، ص ۷۸.
- ۵- دکتر فوریه، همان، ص ۵۶.
- ۶- دکتر فوریه، همان، ص ۵۷.
- ۷- دکتر فوریه، همان، ص ۱۳۴.

امین‌السلطان نام برده است که برعلیه وی انجام و عامل دور نگه داشتن او از ناصرالدین شاه شده است. دکتر فوریه، از زبان اعتمادالسلطنه، وزیر انطباعات و ناصرالدین شاه که هم کالسکه و در نتیجه محرم با بوده، وی تراژدی‌های دربار و حکومت ایران را برملا می‌کند و از قول وزیر مزبور می‌نویسد: «اعطای امتیاز بانک و استخراج معادن به انگلیس یعنی به بانک رویتز برای زمامداران عالی‌مقام مملکتی و نزدیکان ایشان موجب جلب منافعی عظیم شده مثلاً دو نفر از آنها، رشوه یا در حدود یک میلیون و بعضی دیگر رشوه‌های چند هزار فرانکی گرفته‌اند.»<sup>۳</sup> و ادامه می‌دهد: «امری که اعتمادالسلطنه را عصبانی کرده، سهم کمی است که از این خوان یغما به او رسیده زیرا که به او فقط ۵۰۰۰ فرانک داده‌اند...»<sup>۴</sup> چنین مسائل ننگین و مضحکی در دربار ایران، موجب نبیختن همین ناظر خارجی ریزین شده و سبب گردیده تا وی چنین نتیجه‌گیری نماید: «چیزی که غم آن در میان نیست ایران و مصلحت آن است.»<sup>۵</sup> و گویای این مسأله است که کشورهایی چون انگلیس با دیدی روانشناسانه از ملت ما به خصوص از دربار، اقدام به اخذ امتیازات می‌نمودند.

### دکتر فوریه و طبابت سنتی ایران:

دکتر فوریه در ایران با طبابت سنتی آشنا و در عین حال با رقابت این‌گونه اطباء با خود، مواجه گردید. مسائلی که وی از این طبیبان آشکار کرده، بیانگر انحطاط این‌گونه طبابت در ایران است. و از شیوه طبابت آنان در مورد مرض اسهال ناصرالدین شاه در بازگشت وی از فرنگ و اقامت وی در تبریز چنین می‌نویسد: «هر سه طبیب ایرانی ناصرالدین شاه جداگانه نبض شاه را امتحان کردند و مدتی را با یکدیگر آهسته صحبت کردند و نتیجه مشاوره خود را بدون اینکه من بفهمم چه گفتند و چه تصمیمی گرفتند به عرض شاه رساندند.»<sup>۶</sup> او این مجالس مشاوره بی‌فایده را که چندین بار و بدون نظر خواهی دکتر فوریه انجام شده، به «کمدی» تعبیر نموده است و چنین نتیجه‌گیری کرده است: «شاید این بازی برای آنست

از جمله کتبی که در عهد قاجاریه و تقریباً همزمان با سومین سفر ناصرالدین شاه به اروپا نوشته شده و حالت سفرنامه دارد کتاب **سه سال در دربار ایران** نوشته دکتر فوریه می‌باشد که در زمرة طبیبان مخصوص ناصرالدین شاه بوده است. کتاب او می‌تواند اطلاعات هرچند مختصری درباره کشورهاى واقع در مسیر سفر ناصرالدین شاه، در مورد برخی از شهرهای ایرانی در این دوره، وضعیت مذهبی آن روز جامعه ایران، درباریان، وضع حرم و کاخ‌ها و در نهایت خصائل ناصرالدین شاه، ارائه نماید.

برای فهم چگونگی به خدمت رسیدن این شخص (دکتر فوریه) به حضور ناصرالدین شاه و آشنایی با وی، طبق داده‌های کتابش باید گفت که وی اهل فرانسه بود و همانگونه که گفتیم به طبابت اشتغال داشته و قبل از اینکه در زمرة طبیبان خاص ناصرالدین شاه درآید، در خدمت نیکلا، پادشاه مونتنگرو (قره‌طاغ) بوده و عضو وزارت امور خارجه فرانسه بوده است. در سومین سفر ناصرالدین شاه به اروپا، حکیم‌باشی وی **پولوزان** در پاریس ماند و دکتر فوریه را به عنوان نایب خود به پادشاه مزبور معرفی نمود و بدین ترتیب دکتر فوریه از خدمت پرنس مونتنگرو معاف شد و به حضور ناصرالدین شاه رسید و خاطرات و مشاهدات خود را از لحظه ورود به خدمت ناصرالدین شاه (دوم ذوالحجه ۱۳۰۶ قمری) تا بازگشت از ایران به میهن خود (سوم جمادى‌الاولی ۱۳۰۹ قمری) به رشته تحریر درآورد. در مقدمه کتاب چنین آمده: «من که مدت چند سال، طبیب مخصوص اعلی‌حضرت ناصرالدین شاه و شاهد عینی زندگی روزانه او بوده‌ام چیزهایی دیده‌ام که نه تنها هیچ مسافری نمی‌تواند بر آنها اطلاع یابد بلکه آگاهی از آنها بر هر کسی نیز که در ایران مقیم شده باشد مشکل است.»<sup>۱</sup>

### گزارش فوریه از درباریان:

وی امین‌السلطان را نوکر سیاست انگلیس دانسته و عزت و مقام خود را، دلیل اصلی توطئه‌های